

نامه به کنگره^۱ (۸۰)

من میخواهم جدا توصیه کنم که در این کنگره اقدام شود تا در نظام سیاسی ما یکسلسله اصلاحات بعمل آید. میخواهم نظریاتی را که بیش از همه مهم میدانم باشما در میان بگذارم.

نکته‌ای را که در درجه اول قرار میدهم عبارت است از افزایش تعداد اعضاء کمیته مرکزی و رساندن آن به چندین ده نفر و حتی به صد نفر. بعقیده من اگر ما چنین عملی را انجام ندهیم، آنگاه چنانچه جریان حوادث کاملاً بروفق مراد ما نباشد (و این چیز است که ما نمیتوانیم روی آن حساب کنیم) کمیته مرکزی ما با مخاطرات بزرگی روبرو خواهد شد.

سپس میخواهم به کنگره پیشنهاد کنم که به تصمیمات سازمان برنامه دولتی تحت شرایط معینی جنبه قانونی بدهد و در این مورد تا حدود معین و با شرایط معینی با نظر رفیق تروتسکی موافقت کند. و اما در مورد نکته اول، یعنی افزایش تعداد اعضاء کمیته مرکزی، بنظر من این کار هم برای بالابردن شأن و اعتبار کمیته مرکزی لازمست و هم برای انجام يك کار جدی جهت بهبود دستگاه ما و هم برای جلوگیری از تأثیر فزون از حد اختلافات معدودی از اعضاء کمیته مرکزی در سرنوشت کلی حزب.

بعقیده من حزب ما حق آنرا دارد که از طبقه کارگر، بدون آنکه به قوای وی فشار زیاده از حدی وارد آورد، ۵۰-۱۰۰ عضو برای کمیته مرکزی خود طلب کند و میتواند این تعداد را دریافت نماید. چنین اصلاحی دوام و ثبات حزب ما را بسی افزایش خواهد داد و مبارزه‌های را که حزب در شرایط احاطه دول خصم انجام میدهد، و بعقیده من ممکنست و باید در ظرف چند سال آینده حدت فوق العاده‌ای یابد، آسان مینماید. بنظر من با انجام چنین اقدامی استواری حزب ما هزار بار بیشتر خواهد شد.

لنین

۲۳ دسامبر سال ۱۹۲۲

متصدی تندنویسی م . و .

۲

دنباله یادداشت

۲۴ دسامبر سال ۱۹۲۲

منظور من از استواری کمیته مرکزی که در بالا از آن سخن راندم، اقداماتیست برای جلوگیری از انشعاب در صورتیکه چنین اقداماتی اصولاً میسر باشد. زیرا آن طرفدار گارد سفید که در مجله «روسکایا میسل» (۸۱) کار میکرد (بنظرم این شخص س.ف. اولدنبورگ بود) مسلماً حق داشت وقتی اولاً در تحریکات گارد سفیدیها علیه روسیه شوروی بنای حساب را روی امکان انشعاب در حزب ما میگذاشت و ثانیاً برای عملی شدن این انشعاب وجود اختلافات بسیار جبری حزب ما را مبنای حساب قرار میداد.

حزب ما به دو طبقه متکی است و بدینجهت نا استواری آن امریست محتمل و سقوط آن در صورتی که حصول موافقت بین

این دو طبقه میسر نگردد، ناگزیر میشود. در چنین صورتی اتخاذ هرگونه تدبیری و اصولاً صحبت درباره استواری کمیته مرکزی ما کاریست عبث. در اینصورت بکمک هیچ اقدامی نمیتوان از انشعاب جلوگیری کرد. ولی من امیدوارم که این يك آینده بسیار دور و حادثه بسیار غیر محتملی باشد که جای صحبت نداشته باشد.

منظور من از استواری، تضمین در مقابل انشعاب در آینده نزدیک است و قصد دارم در اینجا یکسلسله ملاحظاتی را که صرفاً جنبه خصوصی دارد مورد بررسی قرار دهم.

بعقیده من عامل اصلی در مسئله استواری از این نقطه نظر اعضای از کمیته مرکزی نظیر استالین و ترتسکی هستند. مناسبات بین آنها بنظر من قسمت اعظم خطر انشعابی را تشکیل میدهد که میتوان از آن اجتناب کرد و راه اجتناب از آنها بعقیده من افزایش تعداد اعضاء کمیته مرکزی و رساندن آن به ۵۰ تا ۱۰۰ نفر است. رفیق استالین پس از تصدی مقام دبیر کلی قدرت نا محدودی را در دست خود متمرکز کرده است و من مطمئن نیستم که آیا او خواهد توانست همیشه با حزم و احتیاط کافی از این قدرت استفاده کند یا نه. از طرف دیگر رفیق ترتسکی، همانطور که چگونگی مبارزه او علیه کمیته مرکزی در مورد مسئله کمیساریای ملی راه نشان داد خصوصیتش تنها استعدادهای بر جسته اش نیست. او شخصاً شاید با استعدادترین فرد کمیته مرکزی فعلی باشد ولی در عین حال خودپسندی او نیز از حد و اندازه فزون است و به جنبه صرفاً اداری کارها شیفتگی فوق العادهای دارد.

این دو صفت دو رهبر مبرز کمیته مرکزی کنونی ممکنست بدون آنکه تعمدی در کار باشد موجب بروز انشعاب گردد و اگر حزب ما برای جلوگیری از آن اقدامات لازم بعمل نیاورد، ممکن است وقوع انشعاب جنبه ناگهانی بخود بگیرد.

من از تشریح صفات شخصی اعضاء دیگر کمیته مرکزی خودداری میکنم. فقط یادآور میشوم که حادثه زینویف و کامنف در ماه اکتبر (۸۲) بدون تردید تصادفی نبود، ولی گناه این حادثه را همانقدر کم میتوان بگردن شخص وی* گذاشت، که گناه بلشویک نبودن را بگردن ترتسکی.

در بین اعضاء جوان کمیته مرکزی میخواهم چند کلمه ای در باره بوخارین و پیاتاکوف بگویم. این دو نفر بنظر من برجسته ترین نیروها هستند (در بین جوانترین نیروها) و در مورد آنها میبایستی نکات زیر را در نظر داشت: بوخارین نه تنها تئوریسین پر ارج و برجسته حزب است، بلکه بحق محبوب همه حزب بشمار میرود. ولی نظریات تئوریک او را با تردید بسیار زیادی میتوان نظریات کاملا مارکسیستی نامید، زیرا او دارای خاصیتی شبیه به اسکولاستیک است (اوهرگز دیالکتیک نیاموخته و خیال میکنم هیچوقت آنرا عمیقاً درک نکرده است).

۲۵ دسامبر. سپس در مورد پیاتاکوف - او شخصی است بدون شك دارای نیروی اراده برجسته و واجد استعدادهای برجسته، ولی به شیوه ریاست مابی و جنبه اداری مسائل بحدی شیفتهگی دارد که در يك مسئله جدی سیاسی نمیتوان بوی متکی بود.

* ظاهراً در اینجا هنگام تندنویسی اشتباهی رخ داده و با در نظر گرفتن مفهوم عبارت بجای «وی» می بایست نوشته شود «آنها». تبصره انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی.

البته هر دو تذکر من فقط مربوط به حال حاضر و بر اساس این فرض است که این دو کادر برجسته و صدیق امکان نیابند معلومات خود را تکمیل کنند و جنبه های محدود خود را تغییر دهند.

لنین

۲۵ دسامبر سال ۱۹۲۲

متصدی تندنویسی م. و.

تکمله نامه مورخه ۲۴ دسامبر سال ۱۹۲۲

استالین شخصی است بسیار خشن و این نقص که در محیط ما کمونیستها و در روابط بین ما کاملاً قابل تحمل است در مورد دبیر کلی تحمل ناپذیر میشود. بدینجهت من برفقا پیشنهاد میکنم برای تغییر مقام استالین و تعیین شخص دیگری برای این مقام که از کلیه جهات دیگر فقط يك رجحان بر رفیق استالین داشته باشد یعنی نسبت برفقا شکیباتر، منصف تر، مؤدبتر و با توجه تر و دارای بهانه گیری کمتر و غیره باشد راهی بیاندیشند. شاید این نکات خیلی ناچیز بنظر رسد. ولی بعقیده من از نقطه نظر پیشگیری انشعاب و از نقطه نظر مناسبات بین استالین و تروتسکی که دربالا نگاشتم - این ها نکات ناچیز نیست و یا از آن نکات ناچیزیست که ممکن است اهمیت قاطع کسب نماید.

لنین

متصدی تندنویسی ل. ف.

۴ ژانویه سال ۱۹۲۳

۳

دنباله یادداشت

۲۶ دسامبر سال ۱۹۲۲

افزایش تعداد اعضاء کمیته مرکزی و رساندن آن به ۵۰ یا حتی ۱۰۰ نفر بعقیده من باید برای دو و یا حتی سه منظور انجام گیرد: هر چه تعداد اعضاء کمیته مرکزی بیشتر باشد تعداد کسانیکه طرز کار را در کمیته مرکزی میاموزند بیشتر خواهد بود و خطر انشعاب ناشی از بی احتیاطی احتمالی کمتر میشود. شرکت دادن عده زیادی از کارگران در کمیته مرکزی به کارگران کمک میکند دستگاه ما را که وضع بی اندازه خرابی دارد بهبود بخشند. دستگاه دولتی ما در ماهیت امر از رژیم سابق بما ارث رسیده است، زیرا تجدید بنای آن طی این مدت کوتاه و بویژه در شرایط جنگ و قحطی و غیره محال بود. بدینجهت به آن «منقدینی» که بر سبیل استهزاء و یا ازروی کینه توزی معایب دستگاه ما را برخ ما میکشند با کمال آرامی میتوان گفت که شما شرایط انقلاب کنونی را ابدًا درك نمیکنید. اصولاً طی مدت پنجسال نمیتوان تجدید بنای دستگاه را بعد کافی عملی نمود، بخصوص در شرایطی که انقلاب ما انجام گرفت. کافیت که ما طی پنجسال دولت طراز نوینی بوجود آوردیم که در آن کارگران علیه بورژوازی در راس دهقانان قراردارند و این درشرایطی که محیط بین المللی با ما خصومت میورزد کاریست بس عظیم. ولی وقوف بر این امر بهیچوجه نباید مانع درك این نکته شود که ما در ماهیت امر دستگاه کهنه ای را از تزار و بورژوازی بارث بردهایم و اکنون که دوران صلح فرا رسیده و ما در مقابل قحطی حد اقل تأمین را داریم تمام مساعی ما باید مصروف بهبود کار دستگاه باشد.

من تصور میکنم که وقتی چندین ده نفر کارگر عضو کمیته مرکزی شدند میتوانند بهتر از هر کس دیگر مشغول به واریسی کار و بهبود و تجدید بنای دستگاه ما شوند. سازمان بازرسی کارگری و دهقانی که در بدو امر این وظیفه را بعهدہ داشت از عهده انجام آن بر نیامد و میتواند فقط بعنوان «ضمیمه» یا دستیار این اعضاء کمیته مرکزی با شرایط معینی مورد استفاده قرار گیرد. بیشتر کارگرانی که عضو کمیته مرکزی میشوند بعقیده من باید از آن کارگرانی نباشند که طی مدت طولانی در ادارات شوروی کار کرده اند (من در این قسمت نامه خود همه جا دهقانان را نیز جزو کارگران میگیرم)، زیرا در این کارگران عادات و معتقدات نادرستی پدید آمده که مطلوب است با آن مبارزه شود.

کارگران عضو کمیته مرکزی باید بیشتر از قشری پائین تر از آن کارگرانی باشند که طی این پنجسال به مقام کارمندان شوروی ارتقاء یافته اند و باید نزدیک به قشر کارگران عادی و دهقانان ولی دهقانی باشند که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از زمره استثمارگران نیستند. من تصور میکنم که این کارگران با حضور خود در کلیه جلسات کمیته مرکزی و پولیت بورو و با دسترسی به کلیه اسناد کمیته مرکزی میتوانند کادری از هواداران صدیق نظام شوروی تشکیل دهند که قادر باشد اولاً خود کمیته مرکزی را پایدار و استوار سازد و ثانیاً برای تجدید بنا و بهبود دستگاه، کار مؤثر انجام دهد.

لنین

متصدی تندنویسی ل. ف.

۲۶ دسامبر سال ۱۹۲۲